

## «ایشان» های ترکمن

«ایشان» ها شاید جالب ترین گروه و دسته بندی برای پژوهش گران مذهبی از روحانیت مسلمان باشد. این گروه و دسته بندی و خود اصطلاح «ایشان» تنها در آسیای مرکزی و همچنین در برخی مناطق دیگری (تارتارستان، باشقیر)، که در زمان خود حاوی فعالیت های تبلیغی روحانیت آسیای مرکزی بود مشاهده میشوند.

اصطلاح «ایشان» نه در موطن اسلام، در عربستان سعودی، نه در دیگر کشورهای عربی، نه همسایگان آسیای مرکزی - ایران و افغانستان - (بجز آن مناطقی که بطور فشرده مهاجرین منطقه آسیای مرکزی زندگی می کنند) شناخته شده نیست. خود اصطلاح «ایشان» فارسی است. در فارسی، تاجیکی، بلوچی و برخی دیگر گروه های ایرانی زبان این واژه صرفاً معنی ضمیر شخصی «آنها» را دارد. معذالک به گواهی مطالب مربوط به بسیاری زبان های دیگر، ضمیر مزبور توانست نه تنها در معنی مستقیم خود، بلکه بعنوان شکل محترمانه از جانب مردم عادی نسبت به افراد طبقات ممتاز - هم عرفی و هم دینی بکار برده شود و بکار برده شد. نامیدن چنین افرادی با نام یا در شکل ضمیر مفرد در نوع خود تابو بود.

رعایا و سرف های روس به ارباب و مالک خود نمیتوانستند «او» بگویند، بلکه تنها «ایشان» است: ایشان میل دارند برخیزند، شام بخورند، بروند و غیره [بعنوان مثال در زبان فارسی، آقا فرمودند، آقا میل دارند و... - مترجم]. در میان گروه روحانیت آسیای مرکزی و بویژه ترکمن «ایشان» ها بسیار محترم هستند. «تف ایشان برابر ده ملا است». این حرمت و احترام خرافاتی ناشی از این واقعیت است که «ایشان» ها نمایندگان روحانیت تصوف بودند.

صوفیسم جریانی معنوی در اسلام است که بسیاری عناصر باورها و تصورات عامیانه و مردمی صد ها سال را در خود جذب و از محبوبیت بسیار بالایی بین مردم تا اسلام ارتدکس برخوردار بود. مثلاً، ملا نماینده رسمی اسلام می بایست آموزش های دینی معینی را برای اینکه مشغول کار و خدمت در مسجد شود یا نقش معلم را ایفا کند، دریافت کند.

اما «ایشان» حتی اگر درس نخوانده باشد، که در حقیقت در دوران پیش از انقلاب بسیار نادر مشاهده است، عقیده بر این بود که در پرتونیاکان نیرومند خود از تقدس برخوردار است، و میتواند به عنوان رهبرانواع مختلف مناسک و مراسم مذهبی - ملی یا بعنوان رئیس جامعه تصوف عمل کند. از این رودر رابطه با صوفیان بین مردم آسیای مرکزی، در دوران پیشتر بین ایرانی زبان ها در اکثریت خود، ضمیر «ایشان» به تنهایی بسیار مؤدبانه تر از عامیانه آنها بکار برده شد.

با ورود فعال موج ترکها از قرن یازده – دوازده به آسیای مرکزی و ترکی کردن اساسی بخش هایی از مردم ایرانی زبان به غیر از تاجیکها ، واژه «ایشان» که در ارتباط با افراد معین روحانی بکاررفته بود ، بعنوان یک اصطلاح ویژه مذهبی درک و تعیین کننده یکی از مقولات روحانیت گردید.

بطورضد و نقیض و باور نکردنی، این اصطلاح مردم ترک زبان در معنی جدید آن به محیط ایرانی زبان – به تاجیکها ، ولو در چند شکل تغییر یافته فونتیکی « اِشون» بازگشت. قطعه زیر از کتاب « ناسخ التواریخ »، بطور بارز و روشن جایگاه شورش و اغتشاش در میان ترکمن های گورگن در سال 1841 میلادی توصیف میشوند ، هنگامی که نزد آنها شخصیتی که خود را از دروایش صوفی می نمایاند می آید، تشریح می کند:

برسم معمول در رسوم و عادات ترکمن ها، اینگونه افراد بطور احترام آمیز حمایت میشوند و نام آنها بزبان آورده نمیشوند، از این رو به آنها « مرحمت آنها»، « حضرت ایشان» لقب میدادند. آکادمیسین و.و. بارتولد صاحب نظر عالی تاریخ آسیای مرکزی به معنی صوفیانه ی واژه ایشان اشاره میکند. وی می نویسد که این اصطلاح « در ترکمنستان به معنی شیخ، مرشد، استاد، پیر ( معلم، رهبر) برخلاف مرید ( پیرو، شاگرد)» بکار میرود.

درباره «ایشان» ها بعنوان رؤسای جوامع تصوف، اسلام شناس معروف ل.ای. کلیموویچ و برخی دیگر از نویسندگان گفته اند. تا آنجا که به معنی مبداء این اصطلاح مربوط میشود هیچکس نه فقط از متدینین معمولی ترکمن، بلکه خود «ایشان» های ترکمن، که این فرصت را بدست آوردند تا با آنها از اواخرده پنجاه تا سالهای دهه هشتاد قرن گذشته گفتگو کنم ، این مسئله را نمی دانستند. همین را میتوان با استثنای افراد نادر تحصیل کرده برای جامعه ترکمن های دوره پیش از انقلاب گفت. یکی از نمایندگان این استثناء که در مانغیشلاق و در آستراخان زندگی میکرد شاعر ترکمن اوخر قرن هفده و آغاز قرن نوزده، حاتم شهیر است (1). در شعر « کیمدیر » [ چه کسی است ] وی توضیح میدهد ( ترجمه نثر از مولف است. س.د. ) « ای دوستان مسلمان».

چه معنی دارد « ایشان» و چه « درویش»؟

چنانچه نمی دانید، بشمایان توضیح دهم.

ایشان – به معنی « آنها» است.

( در متن اصلی : ایشان دیبیک – آلاز دیبیک )

گفتن اینکه چه زمانی دقیقاً این عنوان برای گروه دسته بندی روحانیت ظاهر شد دشوار است. اشاره و یادآوری نخستین به شکل « حضرت ایشان» در شرح حال های صوفیان معروف آسیای مرکزی بهاءالدین نقشبندی ( بخارا) و خواجه احرار ( سمرقند) متعلق به قرن پانزده است. در منطقه ترکمنها اوخر قرون وسطی و دوران معاصر که در آن مراکز تصوف ، مانند دوره های دیرتر و صوفیان برجسته ( پیر و شیخ ) بعنوان رهبران فرقه های پیروان خود وجود نداشت – مریدان (مراکز اصلی در این زمینه و به طور کلی در امر آموزش مذهبی برای ترکمنها در طول چندین قرن خیره و بخارا باقی ماند ) انبوه اصلی «ایشان» ها در مناطق روستایی زندگی میکردند. تا حد معینی، منظره والگوی مشابهی در بسیاری مناطق دیگر آسیای مرکزی مشاهده شد. از این رو

«ایشانیسم» را میتوان در نوع خودش بطور مشروط «تصوف روستاهای آسیای مرکزی» نامید. براساس یک سنت نیرومند احترام به نیاکان بین ترکمن ها، که درباره آن در سال های دهه شصت قرن نوزدهم شرق شناس و سیاح مشهور مجارستانی آرمین وامبری نوشته است، تصور بر این بود که تقدس نیاکان – اجداد این یا آن قبیله «ایشان» بطور نزولی و تدریجی به اخلاف آنها منتقل میشد.

درباره خود «ایشان» ها وامبری مطالب زیر را می نویسد: «روحانیت سنتی مسلمان - علما به درجه و عنوان کتاب مقدس (متون) مبین بخود می بالند، اما در رقابت با «ایشان»، ملبس به اسرار عرفانی، آنها همواره مغلوب میشوند. جلب جماعت خرافاتی آسیای مرکزی برای یک کتاب سخت تراست و بدون آن «ایشان» همواره از طلسم سحر و جادو و آیین و مراسم ظاهری هزینه میکند. ملاهای درس نخوانده و کمتر عالم در آسیای مرکزی آسانتر رفتار می کنند، اما فاتحه یا نفس حتی «ایشان» کاملاً بیسواد برای آنها هم در چادر و هم در بیابان، هم تاخت و تاز راهزنانه و هم در مراتع و چراگاه ها» طلسم است.

آنطور که یکی از مناظر روشن این امر در زمان بسیار دیرتر به یاد میایند، دونهای دین اسلام از روستای آق یایلا در اترک است، که در سالهای 1958 و 1966 گذرم به آنجا افتاد. یکی از آنها – انسانی لاغر اندام در سن بازنشستگی، که قدری می لنگید و دارای چهره ای هوشمند بود الیاس ملا است، که مشهور به خبره گی و صاحب نظر در اسلام بود و بی غرض که نویسنده این سطور خود شاهد بود، دیگری – باقی ایشان، مرد تنومند چهل و پنج ساله ای بود که در مسایل دینی درک کمتری داشت. بیهوده نیست که مردم پشت سر او را «ایشان» - «ایشان بدلی، ایشان غیر واقعی و جعلی» مینامیدند.

با این حال در زمان مراسم و آیین های اصلی مسلمانی (ازدواج – نکاح، نماز برای مرده – جنازه، ختنه سوران [ جشن بمناسبت ختنه ] – سنت و غیره) الیاس ملا مطابق همه مقررات مراسم را اجرا میکرد و اما باقی ایشان تقریباً بدون دانستن نماز تنها مشارکت خود را وانمود میکرد، اولی بعنوان پرداخت نمادین دستمالی با چند کیلو قند و آب نبات آورد، دومی – قواره بزرگ مخملین، بعنوان نوادگان صوفیان مشهور.

در گذشته قبل از انقلاب «ایشان» ها نقش مهمی نه تنها در حیات مذهبی بلکه در زندگی اجتماعی – سیاسی جامعه ترکمن ایفا میکردند و بطور فعال به عنوان نمایندگان سیاسی، الهام بخشان مسلکی، و گاهی بعنوان رهبران گروه ها و واحدهای مسلح این یا آن گروه های قومی برآمد میکردند.

کافی است چهره کریه قربان مراد ایشان را بخاطر آورد، که در مبارزه برای قدرت در سالهای دهه هفتاد قرن نوزده درگیری خونین بین قبایل ترکمن تیلکی و غانجیق را برمی انگیزد، سپس زیر لوای مبارزه با کفار بعنوان ایدئولوگ اصلی نبردهای تکه – روس در حوالی گوگ دپه در سالهای 1880 – 1881 برآمد کرد، که با این حال در بحبوحه محاصره قلعه فرار کرد و با اموال و دارایی خود از طریق شن زارها به مرو گریخت.....

در دوران تزار، به اصطلاح دوران استعمار، «ایشان» ها موقعیت احترام آمیز خود را حفظ کردند. شمار آنها تنها در منطقه فراساحلی خزر، که شامل خاک ترکمنها نیز میشد، علاوه بر مناطق تاشاووز ( داشاووز) نوار مناطق آمودریا در سال 1889، صدوپنچ نفر بود، که از آنها پنجاه و دو نفر در شهرستان مرو بودند ( در آن زمان 232 نفر ملا وجود داشت).

دردوران شوروی بیشتر «ایشان» ها، بطورکلی روحانیت ترکمن، به خارج ازکشور فرار کردند و یا مورد تضییق قرار گرفتند. در دوره پس از فروپاشی شوروی، زمانی که دولت، برعکس دوره پیشین، شروع به اجرای سیاست ترویج و تشویق دین کرد، معدودی «ایشان» دوباره وضعیت رسمی را بدست آوردند.

+++++

### (1) خاتم شهیر (1740 – 1824)

- شاعر ترکمن، شعر کلاسیک ترکمن که تحت نام مستعار سید، سیدی، نیاز مینوشت. وی شاعر دوران معاصر مختومقلی بود. در اشعار شاعر به انگیزه های بی عدالتی اجتماعی و تفرقه بین مردم ترکمن اشاره میشوند. در اشعار او رویدادهایی از تاریخ آسیای مرکزی بازتاب یافته اند. در شعرهای خاتم شهیر بسیاری نام چهره های تاریخی کازاخستان آبدیل خان (عبدل خان)، باگ بک، قومیس بای، اُده نیس، سید بای و دیگران مشاهده میشوند. در آثار حاتم شاعر علاوه بر اشعار تاریخی بسیار درباره طبیعت سرزمین مادری وزادوبوم، «بوز قاراغان» صحبت میشود.

شاعر سرزمین مادری خود را درچنین اشعاری مانند « آیراقتی»، « قیزیل – اوزن»، « شیر قالا» و غیره ستوده است. خاتم شاعر شخصیتی مذهبی بود و مدرسه ای را در ناحیه آقشوکره بنیان گذاری کرد. به او به عنوان انسانی که دارای تجربه بزرگ زندگی و انسانی که خردمند بود جهت انجام گفتگو ها و شرکت در مصالحه و آشتی مردم و قبایل اعتماد داشتند. بسیاری از آثار شاعر در شکل شفاهی حفظ شده است و برخی از نسخه های خطی آن در بنیاد های نسخ خطی نادر آکادمی علوم ترکمنستان موجود هستند.